خبر

فعالیت ۱۳۰ اکیپ راهداری برای برفروبی جاده های گلستان گرگان

مدیرکل حمل‌ونقل و راهداری گلستان بابیان اینکه ۱۳۰ اکیپ در حال برف‌روبی جاده‌های گلستان هستند، گفت: طی ۲۴ ساعت گذشته ۲۷۸ هزار و ۷۲۵ تردد در جاده‌های گلستان ثبت‌شده است.مهدی میقانی ظهر جمعه در جلسه اضطراری مدیریت بحران استان گلستان که با حضور معاون وزیر نفت در گرگان برگزار شد، گفت: ۱۳۰ اکیپ متشکل از ۱۵۰ نفر در حال برف‌روبی و نمک‌پاشی در سطح استان هستند و از زمان شروع بارش برف و باران در مسیر راه‌های استان گلستان ۴۹۵ تن شن و نمک توسط این اکیپ‌ها مورداستفاده قرارگرفته است.وی بابیان اینکه یک هزار و ۳۳۴ کیلومتر از راه‌های گلستان در حال کنترل بوده تا مشکل خاصی برای مسافران و تردد جاده‌ای پیش نیاید، اظهار کرد: چنانچه مشکلی در زمان بارش برف و کولاک پیش می‌آید به علت توجه نداشتن رانندگان به استفاده از زنجیره چرخ در محورهای کوهستانی بوده و از تمامی مسافران درخواست می‌کنیم حتماً زنجیر چرخ را با خود به همراه داشته باشند.
مدیرکل حمل‌ونقل و راهداری گلستان گفت: طی ۲۴ ساعت گذشته ۲۷۸ هزار و ۷۲۵ تردد در جاده‌های گلستان ثبت‌شده است.

اجباری شدن سوخت دوم برای مراکز حساس در گلستان

اجباری شدن سوخت دوم برای مراکز حساس در گلستان و وابستگی قیمت کرایه تاکسی به سوخت «سی ان جی» از موارد مطرح شده در جلسه مدیریت بحران استانداری گلستان بود.به گزارش خبرنگار مهر، جلسه اضطراری شورای هماهنگی مدیریت بحران ظهر جمعه با حضور مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در گرگان برگزار شد.مدیرکل مدیریت بحران استان گلستان در این جلسه گفت: از روز سه‌شنبه با توجه به شرایط آب و هوایی که به وجود آمد، مجبور شدیم گاز برخی از صنایع را قطع و در ادامه آن گاز ادارات استان را هم قطع کنیم،همچنین برای صرفه‌جویی در مصرف گاز مدارس استان را در روز شنبه تعطیل کردیم.
وی بابیان اینکه در بحث ترافیک و حمل‌ونقل باید برخی بسته‌های حمایتی سیاست‌گذاری شود، افزود: تاکسیرانی وابستگی زیادی به گاز دارد و با قطعی سوخت جایگاه‌های CNG و استفاده از سوخت جایگزین زندگی آن‌ها را با مشکل روبه‌رو می کند.مقدم اظهار کرد: با توجه به شرایط آب و هوایی این روزهای کشور وضعیت استان گلستان رصد شده و چاره‌ای در رابطه با وضعیت شرکت‌ها و واحدهای صنعتی در نظر گرفته‌شده است.مدیرکل مدیریت بحران استان گلستان گفت: استان گلستان همانند گذشته آمادگی لازم برای جایگزینی سوخت داشته و مدام به صنایع و مراکز اعلام کردیم که تمهیدات لازم را برای سوخت دوم و استفاده در زمان‌های خاص داشته باشیم.
وی بابیان اینکه اطلاع‌رسانی خوبی از طریق صداوسیما و اصحاب رسانه استان برای صرفه‌جویی در مصرف گاز انجام‌شده است، گفت: صرفه‌جویی مردم باعث شد برای کنترل شرایط فعلی وضعیت خوبی داشته باشیم.مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی استان هم در این جلسه گفت: وظیفه ذاتی شرکت ملی فرآورده‌های نفتی که تأمین سوخت بوده است.امیر بنی کریم بابیان اینکه واحدهای حساس و خدمات دهنده حتماً باید سوخت جایگزین داشته باشند، اظهار کرد: با پیگیری‌های انجام‌شده هر واحدی که دوگانه‌سوز بود سوخت دوم خود را دریافت کرد.وی تصریح کرد: تأمین سوخت دوم فقط برای شرایط سرما یا بحرانی نبوده بلکه صنایع و واحدهایی که دستگاه‌های دوگانه‌سوز دارند باید در جهت ذخیره سوخت مایع قدم بردارند. بنی کریمی افزود: با توجه به شرایط کشور درزمینه‌ذخیره‌سازی سوخت مایع وضعیت خوبی داریم و مدام تأکیدداریم کارگروهی در راستای جایگزینی سوخت ایجاد کنیم که در چنین شرایطی بهترین تصمیم را اخذ کند.
قیمت کرایه تاکسی بر اساس سی ان جی تعیین شده است
مدیرکل امور شهری استانداری گلستان با بیان اینکه قیمت کرایه تاکسی بر اساس «سی ان جی» قیمت گزاری شده است، گفت: تفاوت میزان مصرف گاز و بنزین برای رانندگان در روز بین ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان بوده و نیاز است همان‌طور که کارخانه سیمان را به سمت دوگانه‌سوزی بردیم تا از سوخت یارانه‌ای استفاده کنند تاکسی‌رانی را هم به این سمت برویم تا در زمان نیاز از سوخت رو در صورت قطعی گاز بتوانند از سوخت یارانه‌ای بهره‌مند باشند.

وضعیت تئاتر در گلستان نگران کننده است

کارگردان پیشکسوت تئاتر گلستان از وضعیت این هنر در استانی که زمانی مهد تئاتر بوده ابراز نگرانی کرد.امیر کاوش در حاشیه برگزاری جشنواره موسیقی فجر گلستان، در گفتگو با مهر با بیان این که توجه به تئاتر و اهمیت آن از دوران کودکی خود را نشان می دهد، اظهار کرد: این هنر علاوه بر ضرورت، یک نیاز اجتماعی و بنیادی برای رشد و شکوفایی جامعه در ابعاد مختلف آموزش، تربیت و سرگرمی است. وی ضمن تقدیر از برگزاری جشنواره موسیقی فجر و برنامه ریزی برای برگزاری جشنواره فیلم فجر در گلستان، بیان کرد: از زمانی که معلمی را پیشه خود قرار دادم این نیاز را در خودم احساس کردم که کار نمایش کودکان را انجام دهم زیرا این هنر در بروز احساسات و شخصیت کودکان بسیار موثر است. وی که کار تئاتر کودک را از سال ۶۵ آغاز کرده و به صورت متناوب در این حوزه تولید داشته است، افزود: نمایش «ممد خرتو» و «جن حموم دربنو» از جمله آثار سال‌های اخیر من است. کاوش در پاسخ به این سوال که آموزش هنر تئاتر از سنین پائین چه تاثیری بر رشد فکری و روانی کودکان دارد، تصریح کرد: هنر نمایش در شخصیت سازی موثر است چرا که هر آدمی دلش می خواهد خود را به دیگران بقبولاند یا به عبارتی ابراز وجود کند و چه جایی بهتر از صحنه تئاتر... این هنرمند باتجربه گلستان ادامه داد: تئاتر هنر ارتباط برقرار کردن را در انسان ها به وجود می آورد تا افراد بتوانند از این طریق خودنمایی کنند بر همین اساس تاثیرگذاری این هنر بر روحیات کودکان انکار ناپذیر است زیرا به تجربه مشاهده کردم که بازی در صحنه و تمرین این هنر از کودکان با مشکلات روحی و عاطفی مختلف فرد جدید با دید مثبتی ساخته است.این کارگردان گلستانی در ادامه هنر تئاتر را بر شکوفایی استعداد و خلاقیت کودکان بسیار تاثیرگذار دانست و گفت: نویسندگی، موسیقی، کارگردانی و بازیگری از بخش های مختلف هنر تئاتر است به همین دلیل هر فردی با توجه به استعداد و خلاقیت می تواند دراین حرفه مشغول باشد.امیر کاوش در حالی که از فعالیت های هنری خود با علاقه صحبت می کند و تئاتر را هنری بسیار گسترده می داند اما از وضعیت این هنر در استانی که زمانی مهد تئاتر بود ناراضی است و ادامه این روند را نگران کننده می داند.به گفته وی، فضای تئاتر استان قدری غمبار شده و تبلور و زیبایی سابق را ندارد؛ نمایش کودک امروزه به جُنگ کودک تبدیل شده است.کاوش در حالی که به آهنگسازی در نمایش کودک تاکید دارد، افزود: اغلب متن های جدید بر آهنگ های ساخته شده در گذشته، بازخوانی می شود که این خوب نیست چراکه صرف تقلید از آهنگ های قبل کار خوب و حرفه ای نمی شود.وی با بیان این نکته که خرید بلیط تئاتر و هزینه آموزش این هنر در سبد اقتصادی خانواده ها نیست، گفت: بسیاری از خانواده ها رغبت به فعالیت فرزندانشان در این رشته هنری دارند اما به دلیل پائین بودن توان مالی قادر به شرکت در این بخش نیستند.این هنرمند استانی در خاتمه تصریح کرد: دیدن کارهای هنری به نوعی پس انداز محسوب می شود زیرا هنر در روحیه و شخصیت افراد به قدری تاثیر می گذارد که گاهی سبب تغییر دیدگاه و مسیر زندگی افراد می شود.

دادستان گرگان :

رسانه ها باید قدرت بیان داشته باشند

الهه رمضان پور -دادستان گرگان در نشستی که با مطبوعات و اهالی رسانه استان داشت از بزرگ نمایی، نشر اکاذیب و خبرهای کذب در رسانه ها و فضای مجازی انتقاد کرد و گفت: تاکنون نگاه ضربتی و چکشی نسبت به رسانه ها و اهالی مطبوعات نداشته ام و تمایلی به اعمال این نگاه ندارم اما اجازه نمی دهم رسانه ها و دارندگان نشریات الکترونیکی با نشر اخبار کذب و سیاه نمایی بخواهند، آرامش روانی جامعه را متشنج کنند. حجت الاسلام سید مصطفی حقی افزود: مخالف انتقاد نیستم بلکه شخصا معتقدم که این انتقاد است که باعث اصلاح جامعه می شود و تک صدایی استبداد به همراه دارد اما انتقاد می بایست بر اساس استدلال منطقی و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب باشد. به گفته وی؛ درصدد نیستیم اصحاب رسانه را در منگنه قرار دهم زیرا اصحاب رسانه و مطبوعات می بایست قدرت بیان داشته باشند اما رسانه ها هم می بایست انصاف و وجدان را معیار و سنگ محک خود در انتشار مطالب، قرار داده و از انتشار اکاذیب و سیاه نمایی بپرهیزند. وی تصریح کرد: جامعه ما دچار سلایق سیاسی است که این بسیار هم خوب است اما قرار نیست هر گروه و یا حزب سیاسی برای اثبات خود، حزب دیگر را تخریب کند.متاسفانه یک سری بداخلاقی ها در جامعه نهادینه شده است، به گونه ای که سال هاست شاهد هستیم هر دولتی که روی کار می آید، عملکرد و فعالیت های دولت قبلی را تخریب می کند این درحالیست که هر دولتی که روی کار می آید می بایست نواقص دولت قبلی را برطرف و نقاط قوت آن را گسترش دهد.

وارد خطوط قرمز من نشوید

دادستان گرگان ادامه داد: وحدت ملی، آرامش روانی، مقدسات نظام جمهوری اسلامی و دین از خطوط قرمز من است که اجازه نمی دهم کسی وارد این خطوط شود و در حال حاضر سلامت انتخابات، مشارکت حداکثری و آرامش مردم در ایام انتخابات را هدف گذاری کرده ام و با برهم زنندگان این اهداف برخورد جدی خواهد شد.

نشریات الکترونیکی تابع مقررات مطبوعات باشند

حقی با انتقاد شدید از فعالیت برخی نشریات الکترونیکی بدون مجوز در استان گفت: توصیه می کنم نشریات الکترونیکی تابع مقررات مطبوعات باشند و هرچه سریع تر برای دریافت مجوز قانونی، اقدام نمایند. وی افزود: در نظر داشته باشید که با تخلفات رسانه هایی که دارای مجوز هستند مطابق قانون مطبوعات رفتار خواهد شد اما در ارتباط با رسانه ها و یا نشریات الکترونیکی و فعالان در تلگرام که بدون مجوز در حال فعالیت هستند چنانچه تخلفی اتفاق بیفتد، قوانین مطبوعات در ارتباط با آنان اعمال نخواهد شد و میزان محکومیت و جرم آنها سنگین تر است. به گفته وی؛ تا به امروز هیچ رسانه ای را فیلتر نکرده ام زیرا به تبادل آزاد افکار و عقاید اعتقاد دارم اما این موضوع مشمول رسانه های دارای مجوز می شود.

تلگرام را به رسمیت نمی شناسم

دادستان گرگان با اشاره به فعالیت های رسانه ای در فضای مجازی گفت: تلگرام را به رسمیت نمی شناسم و عده ای که بدون مجوز در این فضا به اصطلاح کار رسانه ای می کنند، اگر با نشر اکاذیب و سیاه نمایی، باعث تشویش افکار عمومی شوند، با آنها برخورد قانونی خوهد شد.حجت الاسلام سیدمصطفی حقی افزود:نشر اخبار کذب در جامعه اثرات روانی و اجتماعی بسیاری را به همراه دارد که برای اصلاح آن باید هزینه دهیم.

سیاست تخریب ساختمان های غیرمجاز، موفق بود

دادستان گرگان با اشاره به توقف ساخت و سازهای غیرمجاز در گرگان گفت: خوشبختانه سیاست تخریب برای جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز موفق بود به گونه ای که در حال حاضر دیگر شاهد ساخت و ساز غیرمجاز در روستاهای زیارت، توشن و ... نیستیم. حجت الاسلام حقی افزود: ما در راستای حفظ منابع طبیعی و اراضی کشاورزی، اصول خود را زیر پا نگذاشته و کار خود را با قوت انجام می دهیم و قطعا تمامی ساختمان های غیرمجاز را تخریب خواهیم کرد. به گفته وی؛ با تخریب ساختمان های غیرمجاز تاکنون ۱۷۶ هکتار از اراضی ملی، بیش از ۴۹ هکتار از مراتع و ۱۰ هکتار از جنگل ها را برگردانده ایم . وی تصریح کرد: در ۹ ماهه سالجاری ۱۸۰ مورد تخریب ساختمان غیرمجاز در اراضی کشاورزی و منابع طبیعی داشته ایم و ۱۲۰ مورد حکم قطعی برای تخریب ساختمان غیرمجاز صادر شده است اما با توجه به اینکه به دنبال تنش اجتماعی نیستم به همین منظور تمایلی به رسانه ای کردن تخریب های صورت گرفته نداشته ایم.

قاتل متحرک در جامعه!

دادستان گرگان با اشاره به اثرات مخرب و جبران ناپذیر مصرف موادمخدر صنعتی گفت: مخدر صنعتی به شدت به مغز آسیب رسانده و قابل برگشت نیست. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان تصریح کرد: امروز در برخی از آرایشگاه‌های زنانه به بانوان آموزش می‌دهند که برای لاغر شدن شیشه مصرف کنید که این موضوع بسیار خطرناک است.حقی تاکید کرد: مخدرهای صنعتی از مصرف کنندگان، یک قاتل متحرک در جامعه می سازد به همین منظوربه شدت و به طور جدی با کارگاه‌های تولید شیشه برخورد خواهیم کرد به گونه ای که حکم در این خصوص از ۳۰ گرم به بالاتر اعدام است .وی ادامه داد: من به شخصه در نقاط مختلف استان که موارد و گزارش توزیع مواد مخدر و مواد روان‌گردان به دست ما می‌رسد به صورت نامحسوس اقدام می‌کنیم و حتی در برخی موارد با لباس شخصی به همراه ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر استان وارد نقاط شناسایی شده شده‌ایم و به طور جدی با عوامل تهیه و توزیع و حتی نگهدارندگان مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان برخورد می‌کنیم.

قاضی نداریم!

دادستان گرگان با انتقاد شدید از کمبود قاضی در مرکز استان گفت: متاسفانه با کمبود قاضی مواجه هستیم و همین امر باعث شده است شاخص رسیدگی قضات ما به پرونده ها در دادسرا از میانگین کشوری بیشتر باشد که این امر فشار بسیاری بر قضات ما متحمل کرده است. حقی افزود: با توجه به حجم پرونده های وارده به دادسرا، نیازمند به قضات بیشتری هستیم.

بازرسی از خودروها بدون مجوز از دادستانی غیرقانونی است

دادستان گرگان با اشاره به اجازه پلیس برای بازرسی خودروها گفت: برای بازرسی خودروها باید اجازه شخص دادستان وجود داشته باشد و من نیز اصرار بر اجازه دادن ندارم زیرا باید به حقوق شهروندان احترام گذاشت. حجت الاسلام حقی ادامه داد: برای بازرسی خودرو باید اجازه از دادستان اخذ شود و ما تا جایی که لزومی نداشته باشد اجازه بازدید خودرو را نخواهیم داد.

با مرخصی زندان سارقان مخالفم

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان در بخش دیگری در خصوص وقوع سرقت در سطح استان گلستان تصریح کرد: در گذشته آمار سرقت در سطح استان بسیار بالا بود که با اقدامات انجام شده وقوع سرقت در استان رو به کاهش است. حقی افزود: در این راستا و برای کاهش سرقت در استان، تاکید کرده ایم که به زندانیان جرائم سرقت مرخصی داده نشود.به گفته وی؛ سرقت یک جرم عمدی است و فرد با آگاهی و با هدف اقدام به سرقت می‌کند که با جدیت در راستای کاهش سرقت برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دادیم زیرا معتقدم با وقوع سرقت، امنیت روانی مردم سرقت می‌شود.وی تصریح کرد: در حوزه جرائم در استان، سرقت در صدر جرائم قرار دارد و پس از آن ضرب و جرح عمدی، تهدید، توهین و تصادفات بیشترین پرونده‌های قضایی را به خود اختصاص داده است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان مینودشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است.لذا مشخصات متقاضیان و املاک موردتقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله پانزده روزاز طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار و محلی آگهی می شود. در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشنداز تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت مینودشت تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست

پلاک ۳۵-اصلی بخش نه حوزه ثبتی مینودشت

۱- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۶۰ – آقای / خانم فاطمه قزل سوفلوفرزند ولی اله مقدار ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۰/۷۷ متر مربع از پلاک فرعی ۱/۳۹۱۴ مع الواسطه خریداری از مالک محمد قره جلو

پلاک ۴۸-اصلی بخش نه حوزه ثبتی مینودشت

۲- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۳۳۶ – آقای / خانم عوض مشهدیفرزند اسمعیل ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۸۱/۰۲ مترمربع پلاک فرعی ۲۷۹انتقالی مع الواسطه از اسماعیل قره سوفلو

۳-کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۴۲ – آقای / خانم فاطمه مقدم فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۲۸/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۷ انتقالی مع الواسطه از اسمعیل مشهیدی

۴- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۰ – آقای / خانم زهرا اله صوفی فرزند دادی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۲۶/۴۳ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۷ انتقالی مع الواسطه از اسمعیل مشهدی

۵- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۴۹ – آقای / خانم فاطمه سراوانیفرزند علیجان ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۱۸ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۸ انتقالی مع الواسطه از موسی قره چماقلو

۶- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۲۰ – آقای / خانم حسین ساسانیفرزند یوسف ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۹۳/۳۸ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۰ انتقالی مع الواسطه از علی اصغر قره سوفلو

۷- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۴۲ – آقای / خانم صفیه شمرادی فرزند عزیز ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۸۳/۲۶ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۴ انتقالی مع الواسطه از بدرالنساء کرامتلو

۸- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۷۸ – آقای / خانم علی اکبر ممشلوفرزند محمدرضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴/۷۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۸ انتقالی مع الواسطه از رمضانعلی امینی

۹- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۷۱۳ – آقای / خانم محمد رضا سراوانیفرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۲/۱۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۱۷ انتقالی مع الواسطه از محمد قره چماقلو

۱۰- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۳۰۷ – آقای / خانم ولی الله میرزایی نسب فرزند رضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۶/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۱ انتقالی مع الواسطه ازعباس شهمرادی

۱۱- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۲۱۵ – آقای / خانم مهنا بهرامیفرزند حسنمقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۷/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۵ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۱۲-کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۲۲۵ – آقای / خانم مریم بهرامی فرزند حسن مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۷/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۵ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۱۳- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۲ – آقای / خانم مجتبی زارعیفرزند اسمعیل ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۰۲/۷۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶انتقالی مع الواسطه از اماموردی کرامتلو

۱۴- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۶۷۴ – آقای / خانم معصومه بشارتلو فرزند محمدقلی مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۹/۱۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶انتقالی مع الواسطه از ابوالقاسم کرامتلو

۱۵- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۸ – آقای / خانم اصغر پردیس فرزند ادریس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶ انتقالی مع الواسطه از باقر آگی

۱۶-کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۷۵۴ – آقای / خانم مرتضی ممشلیفرزند حسن ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۸۱/۴۱ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۲ انتقالی مع الواسطه ازرضا قلی شهمرادی

۱۷- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۹۵ – آقای / خانم رضا عینی اردهائی فرزند محرم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۸۵/۵۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۲ انتقالی مع الواسطه ازرضا قلی شهمرادی

۱۸- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۵۸ – آقای / خانم اکبر کرامتلو فرزند محمد یوسف ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۵۳/۶۲ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۸ انتقالی مع الواسطه از محمدیوسف کرامتلو

۱۹- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۰۸ – آقای / خانم مهدی صادقی اصلفرزند عزیزششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۳/۹۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۶۱ انتقالی مع الواسطه از شهربانو سنجه ونلی

۲۰- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۱ – آقای / خانم قربان میردار فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۷۶/۵۷ مترمربع پلاک فرعی ۳۸۰ انتقالی مع الواسطه از عباسقلی بشراتلو

۲۱- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۲۴ – آقای / خانم رجبعلی طورانیفرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۱/۷۸ مترمربع پلاک فرعی ۳۹۲انتقالیمع الواسطه ازحاجیه نساء قره چماقلو

۲۲- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۰ – آقای / خانم مهدی سلیمانگلی فرزند غلامرضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۷/۴۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۹۲ انتقالی مع الواسطه از عباسقلی قره چماقلو

۲۳- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۸ – آقای / خانم سیده سمیه قاضوی فرزند سید عباس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۹/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۷ انتقالی مع الواسطه از عباس قنبری

۲۴- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۶۵ – آقای / خانم خلیل نریمانیفرزند آقا رضاششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۰/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۰ انتقالی مع الواسطه از علی آذرکیش

۲۵- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۸۸ – آقای / خانم مهدی کرامت لو فرزند محمد علی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۳/۲۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۱ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۲۶- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۵۲ – آقای / خانم روح اله شهمرادی فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۱۹/۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۲۷ انتقالی مع الواسطه از حسین قره چماقلو

۲۷- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۶۶ – آقای / خانم اکبر طاهری فرزند عباس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت۱۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۳ انتقالی مع الواسطه از محمد و احمد کرامتلو

۲۸-کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۱۷ – آقای / خانم عابدین نوری فرزند کوچکششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۷۶/۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۰۶۸ انتقالی مع الواسطه از مسلم کوهی

م.الف: ۸۵۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول۱۳۹۵/۱۱/۰۲ – تاریخ انتشار نوبت دوم۱۶ /۱۱/ ۱۳۹۵

حسین باغبانی / رئیس ثبت اسنادو املاک مینودشت

خبر

درخواست مسوولین در مصرف گاز :

مردم صرفه جویی کنند

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت:اصراری برای تأمین گاز از ترکمنستان نداریم و رابطه ما با ترکمنستان مبتنی بر نیاز و رفع نیاز نخواهد بود.به گزارش خبرنگار مهر، حمیدرضا عراقی ظهر جمعه در جمع خبرنگاران در رابطه با مشکل به وجود آمده در رابطه با قطع گاز ترکمنستان به ایران گفت: ما درزمینه□ تأمین گاز کشور مشکل خاصی نداریم و با توجه به پروژه‌هایی که در پیش داریم نیاز کشور به گاز ترکمنستان منتفی شده‌است.
وی بابیان اینکه همکاری گازی دو کشور در آینده بستگی به سیاست دولت‌ها دارد، افزود: رابطه ما با ترکمنستان مبتنی بر نیاز و رفع نیاز نخواهد بود و درواقع در قالب همکاری تجاری خواهد بود.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت: اصراری برای تأمین گاز از ترکمنستان نداریم اما طبق قراردادها و حساب‌وکتاب‌هایی که وجود دارد با مذاکره برطرف می‌شود.
عراقی افزود: استان گلستان و مازندران استان‌هایی بودند که در بحث گازرسانی مشکل داشتند اما باهمت مردم و صرفه‌جویی مشکل خاصی وجود نیامد اما باوجود سرمای شدیدی که طی چند روز گذشته و آینده در کشور در جریان است باید همچنان صرفه‌جویی‌ها انجام شود.وی تصریح کرد: این صرفه‌جویی‌ها حداقل می‌تواند باکم کردن دو درجه بخاری منازل هم انجام شود تا ما بتوانیم گاز پایدار برای تمامی مردم داشته باشیم و دچار مشکل نشویم. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران بابیان اینکه بر اساس آمار و ارقامی گزارش‌شده مصرف خانگی در گلستان و مازندران نسبت به سایر مناطق کشور در زمان سرما بیشتر بوده است، اظهار کرد: ممکن است یکی از علت‌های این افزایش مصرف نوع خاص سرمای شمال کشور و یا علت ساختمان‌هایی باشد که طراحی انرژی برای آن‌ها تعریف‌نشده باشد.عراقی افزود: اگر می‌خواهیم دچار افت فشار نشویم لازم است رویه صرفه‌جویی را در پیش بگیریم. وی در رابطه با سهمیه کلی در نظر گرفته‌شده برای گلستان گفت: گاز یک جریان طبیعی است که بحث سهمیه در آن مطرح نبوده اما چیزی که استاندارد برای استان گلستان در نظر گرفته‌شده بود ۹ میلیون مترمکعب بوده است که در حال حاضر ۱۰ و نیم میلیون مترمکعب مصرف می‌شود.عراقی افزود: به ازای هر مشترک در ۲۴ ساعت عدد ۱۸ مترمکعب در نظر گرفته‌شده که در حال حاضر در گلستان به ازای هر مشترک ۲۱ مترمکعب استفاده می‌شود. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران بابیان اینکه قطع نشدن گاز منازل برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اظهار کرد: تا اواسط هفته آینده برخی جایگاه‌های CNG گاز آن‌ها وصل می‌شود و بیمارستان‌هایی هم که سوخت دوم نداشته باشند گازشان قطع نمی‌شود.

قوانین سختگیرانه در نظام خانواده جایگاهی ندارد

مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان گفت: با اجرای قوانین سختگیرانه و خط کشی در محیط خانه، نمی توان خانواده را اداره کرد.
به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام نورالله ولی نژاد، عصر چهارشنبه، در نشست با جمعیت بانوان فرهیخته با موضوع خانواده متعالی اظهار کرد: شاخصه های همچون مادی و معنی از نیازهای یک خانواده متعالی است.وی با اشاره به اینکه با اجرای قانون و خط کشی در محیط خانه نمی توان خانواده را اداره کرد، افزود: هرکجایی که قانون های سختگیرانه پای کار آمد پایه های خانه سست خواهد شد چرا که محیط خانه به گونه ای است که نیاز به برخورد محکم ندارد.حجت الاسلام ولی نژاد عفو، بخشش، محبت و ایثار را از گزینه های یک خانواده متعالی دانست و اظهار کرد: در یک خانواده متعالی باید آرامش، صفا و صمیمیت وجود داشته باشد.وی تصریح کرد: در خانواده متعالی همدلی، همکاری و دلسوزی حاکم است که این می تواند در پیشرفت افراد خانواده بسیار تاثیرگذار باشد.
مدیرکل تبلیغات اسلامی گلستان در خصوص اهمیت عفو و بخشش، گفت: برخی از اوقات گذشت باعث می شود تا یک قائله و جنگ از بین برود و خانواده را از تشنج خارج کند که این خود بسیار قابل اهمیت است.وی مقایسه کردن افراد خانواده را یک زنگ خطر جدی اعلام و تصریح کرد: قانع بودن افراد یکی دیگر از موضوعات خانواده شاخص است که باید توجه داشته باشیم.

گلشن مهر ۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶-۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵
www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر

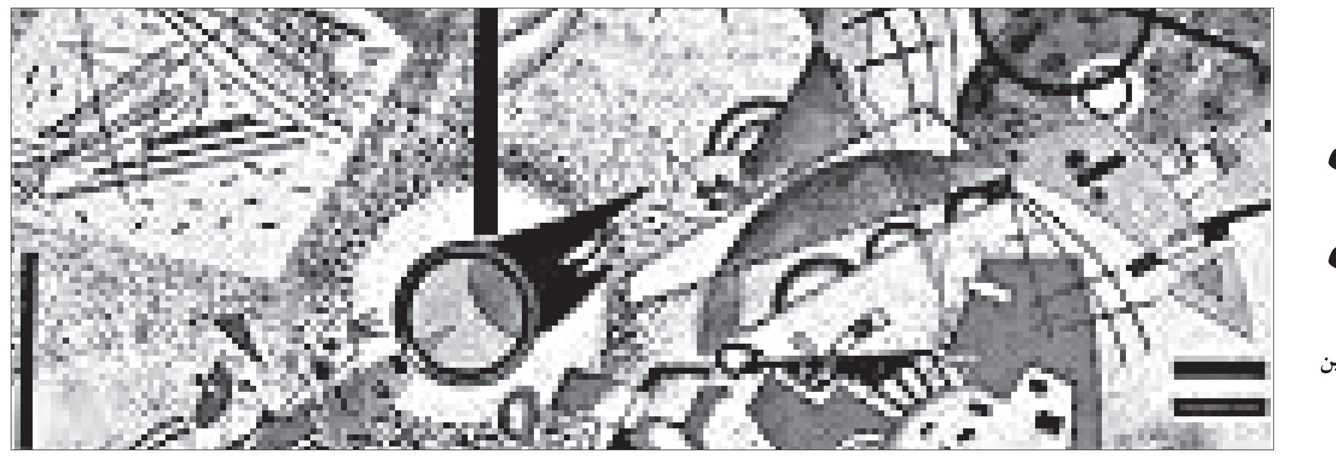

بخش اول

مساله ترجمه

پژمان گلچین

درآمد:در آغاز، شرحی از ضرورت ترجمه در باستان مطرح میکنم و سپس آسیب شناسی کوتاهی و بعد پیشنهاداتی اندک و در حد وسع خویش ارائه خواهم داد. البته که این مطلب دایره ای وسیع را شامل میشود و نیازمند اطلاعاتی بسیار جامع جهت قضاوتی صحیح در قبال هنر ترجمه می باشد، و قطعا با لحاظ تمام این کاستی ها این مطلب را نگاشته ام. این مطلب وقتی از مسیر نقد هنر ترجمه عبور میکند، صرفا متون اندیشه محوری که ترجمه شده مد نظر است و باقی متون ترجمه ای طرف خطاب این مطلب نیست. پرسش اساسا این است، چطور مترجمین دست به ترجمه ی متونی زده اند که نسبت آن متون با پرسشی از این محیط سازگار نیست؟

ترجمه از زبانی غریبه به زبانی بومی در این خطه از جغرافیا، اول بار، معلوم نیست که کی، اتفاق افتاده است. اسناد و مدارک می گوید که ترجمه ها از هخامنشی ها به این ور مستند اند و شاید کلیله و دمنه جزو اولین متون ترجمه شده ی موثق و برزویه ی طبیب را جزو اولین مترجمان مستند و موجودی در نظر بگیریم که کتاب اش در اختیار فرهنگ مردمان اعصار و دهه های بعد هم قرار گرفت. اما حتی اگر بر سر این حکم هم توافقی داشته باشیم، پر واضح است که اولین مترجمین، قدمتشان در این سرزمین، بسیار بیشتر از آنی است که بشود از یک محدوده ی زمانی مشخص سخن گفت، زیرا به استقرا ناقص از رویدادهای شبیه سازی شده ی زیستی و تاریخی که تنها مرجع تحلیل هر امری برای این نکته است،می توان فهمید که انسان هر جا کنار هم نوعی قرار بگیرد که زبانش را نفهمد، اولین ابزار ارتباطی بین خودشان را، که دستها و تحرک بدن و نشانه های اطراف و اصوات است، به کار میگیرد، تا منظور خود را بفهماند و منظور دیگری را بفهمد. اما مسئله به سر رسیدن به سرآغازها نیست بلکه صرفا کاویدن چرایی شکل گرفتن همین ترجمه هاییست که صورت گرفته اند. و پرسیدن از اینکه چه ضرورتی به ترجمه، در موقعیتی که محل ارجاع نیاز، هنوز مشخص نیست یا هنوز شکل نگرفته یا هر حکم مشابه دیگر!

برای اینکه بتوانم به مبحث خاصی که انتخاب کرده ام ورود کنم بایستی اول از همه مطرح کنم که فن ترجمه هم از لحاظ تکنیکی و هم از لحاظ معنایی کاری کمتر از تولید اندیشه نیست و نخواهد بود، و نام دانش ترجمه را به عنوان یک دستاورد بسیار سترگ در تاریخ تمدن کسی نمی تواند در نظر نگیرد، و شخصا ضرورت همواره در پی کاویدن هر متنی، ولو در دورترین نقاط جهان باشد را، به جان و دل پذیرا هستم، و بنابراین، در آغاز، مرز خود را با کسانی که اعلام می کنند ما بی اتکا به توانایی های جهانهای دیگر، می توانیم موقعیت خودمان را شکل بدهیم و با بستن دیوارهای خانگی، حصاری سخت بر پیرامون آن خود ناشناسمان بکشیم، مشخص کنم. این متن هرگز در پی رسیدن به طرح آنچنان راهی نیست، شاید چنین تاویلی از نوشته بیرون بیاید که پیشاپیش خود برائتم را از چنین قصدی اعلام می کنم.

میل به راه اندازی روشی برای ترجمه ی متون، سابق بر این، بخشی از ساختار امنیتی حکومتها بود و هر چقدر دشمن فربه تر و وسیع تر، میل قدرت حاکمه برای مراجعه به منابع مفهومی_نگارشی حریف بیشتر بود. اگر صرفا و فقط برای مثال، به مقدمه ی برزویه ی طبیب و نوع جستجوی بزرگمهر که وزیر انوشیروان است، و اینکه با چه ترفندی برزویه موافقت میکند و با چه شرایطی به هند و نزد برهمن می رود، مراجعه کنید، و و مکاری او برای گرفتن چند خط، به قول خودمان داستان حیوانات را، نگاهی بیندازید، متوجه سختی و سترگی این فعل دشوار و خاص در آن دوران می شوید. فعلی که، سلطان وقت، برای حفظ تاج و تخت خویش، هم از شر مکر دول اطراف و هم از شر بحران های مشابه ی درون اجتماع خود، ناچار به انجامش بود. برزویه حدود پنج سال تمام با برهمن هم خانه میشود بی هیچ اظهار نظری و مترصد فرصتی است برای طراری. چیز شگفتی پشت این فعل کسی که هندی می داند و به زبان برهمن آشناست و پهلوی هم زبان مادری اش است، برای دربار وقت خوابیده است. همین این دغدغه در دوره عباسی، ذیل یک سیستم کاملا هوشمند، در قبال دشمنان دربار که مانویان بودند بیشتر به چشم می خورد. مامون امنیت خلافتش را با تقویت کیفی و کمی مترجمینی گسترده تضمین می کند. صفویان رو به سوی عثمانی دارند و متون ایشان را می خوانند، البته کمابیش. در این دوره به همان اندازه که شاه صفوی عثمانی را جدی نمیگیرد، در دربار نیز، میزان کتب ترجمه شده از متون کشور مجاور که همان عثمانیست، کمتر به چشم می خورد و میگویند آنقدر که در آن زمان، کتبی که از فارسی به ترکی عثمانی ترجمه شده بسیار بیش از کتبیست که از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه شده است. در دوره ی ناصری ترجمه های متون عثمانی رونقی فراوان میگیرد و فقط تا پایان همان دوره. دقت ترجمه برای ناصرالدین شاه اهمیت داشته است که کلمه ای از متن اصلی جا نیافتاده باشد، به طوری که نقل می کنند ناصرالدین شاه از مترجم وقت، می خواهد هنگام ترجمه از حذف هیچ لفظی دریغ نکند و حتی دشنام ها و کلمات رکیک را ترجمه کند و البته این دقت بعد مرگ شاه، به فراموشی سپرده میشود و کتب همان دوره، کلا در گوشه خرابه هایی مدفون میمانند. از آن پس با تاسیس دارالفنون و شکل گیری موج جدیدی از اقشار اجتماعی، به نام انتلکتول ها، و ورودشان به بلاد فرنگ، زبانهای افرنجیه جای زبانهای سابق که عربی و بعد آن اندکی عثمانی بود را پر می کند. و موج جدیدی از ترجمه آغاز می شود. ابتدا زبان مرجع فرانسویست و بعد آلمانی و انگلیسی و زبانهای دیگر. اینها هم اهالی مشروطه را تشکیل می دهند. یعنی باز هم به گونه ای برآمده نه از اراده ی زیستی یک فرهنگ پرسشگر، بلکه برخاسته از اراده ی یک نوع حاکم مشخص برای مطامعی مشخص تر. اینها در غرب قرن هجدهم زمزمه ی قانون شنیده اند و واسفای «بی قانونی چیز نادرستی است» سر می دهند و ترجمه ی روح القوانین منتسکیو به توسط ذکاءالملک(محمد علی فروغی) در روزنامه ی تربیت کلید می خورد، آن هم صرفا ترجمه ی سطرهایی از کتاب اصلی. اینجا هم ترجمه ابزاریست برای امری کاربردی مثل اینکه آب لوله کشی نداشتیم و بخواهیم یاد بگیریم چطور لوله کشی آب کنیم متون آموزشی مرتبط اش را ترجمه کنیم. یعنی حتی خیری که روشنفکران می خواهند برای عرصه ی عمومی خرج کنند هم با یک خطای وسیع در مواجهه با مفهوم ترجمه روبرو بوده است، یاد محاوره ی لاخس افلاطون می افتم که از اشراف زادگان و سرداران آتنی می پرسد: در حالی که شما هنوز نمی دانید معنای تربیت چیست و باید بر چه اساسی فرزندانتان را تربیت کنید، چطور می خواهید از تربیت کردن ایشان سخن بگویید؟ حاکمان، خیر خواه و غیر خیر خواه، تاریخ فرهنگ این مرز و بوم را همواره به دست داشته اند و با تصمیماتشان این کشتی بی ساحل را مدام به هر سو که می خواستند پیش می برند.

در این میان، بودند مردمانی چون برزویه یا ابن مقفع یا الکندی یا فروغی یا دیگر کسان که در بینابین ترجمه برای سلطان چیزی را هم در آن میان برای خود نقد می کردند و نقل. اما چون نسبت مطالبه با تولید کالا هماهنگ نبود، بیشتر در همان حریم کتابخانه های شخصی همایونی و برای گاها تفرج شاه به کار گرفته می شد. مامون راسا و رسما از اندیشمندان می خواهد که فکر کنند که بتوانند در برابر این نفوذی های مانوی چگونه خود را با سلاح اندیشه فربه کنند و همین اتفاق در نظامیه های خواجه نظام الملک می افتد تا دربار متعصب اهل تسنن وقت را از حملات اسماعیلیه که حملاتی بیشتر فرهنگی بود ایمن دارد. شاه زمانه به او بودجه می دهد تا برای جلوگیری از تهاجم مغرضین به حکومت، فکر کنند و تاسیس مدارس نظامیه راسا و اصلا برای همین دلنگرانیست. تا اینجای مطلب هنوز ایرادی بر چیزی نیست. اساس هر حکومتی توجه به حفظ منافع شخصی و به ظاهر عمومی شاه است و این متداول دیگر جوامع پیشرفته نیز بوده است. چه دربار عثمانی، چه دربار رم، چه دربار واتیکان و ...، اما همه ی این موارد به دو دسته ی رسمی تقسیم میشد. دسته ی اول ترجمه ی متونی که مرتبط به فن ها بود، یعنی به زبان امروزی، تکنیک زمانه بود از قبیل پزشکی و سیستم های دیوانسالاری و نحوه ی فنون جنگی و نوع ساخت اسلحه، نوع استخراج نمک و ... ودسته ی دوم مرتبط بود با ترجمه ی متون غیر فنی، و متونی که دشمن های بیرونی، نسبت به اوضاع همایونی قصد برنامه ریزی داشتند و به عبارتی فوت و فن شاهی و مملکت داری بود. به عبارتی خلاصه تر، بخشی از متون مورد نیاز برای ترجمه ی دربار، تکنیکال-مدیریتی بود و بخشی دیگر امنیتی-مدیریتی.

سرحدّات تقدیر

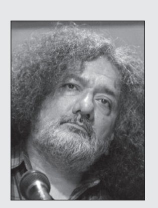

نیما صفار–«یعنی چی می‌شه؟» این پرسش در مواجهه با امر پیشِ رو چقدر جان‌دار و تامّه‌ست! آتیِ نزدیک الزاماً همیشه این‌قدر سایه‌انداز بر حال‌مان نیست؛ هر چند، همیشه یقین به آخر و عاقبت اوضاع است که عوامانگی‌مان را اقناع می‌کند. امّا آن‌وقت‌ها که این خوف و رجاء آتیِ نزدیک (آن بعدی که تکلیف الآن و گاه معنی قبل را روشن می‌کند) مهم‌تر از معمول می‌شود و ما ایرانی‌ها را (بالفرض) کمی از عادت معمول در جیب داشتن کلیّه‌ی پاسخ‌ها، می‌کند و شنوا و درگیر تحلیل می‌شویم و باز بنا به عادت تحلیل‌ها را متجسّد در تحلیل‌گرها می‌شنویم، چه نام‌هایی زنگی بیشتر در گوش‌مان می‌یابند و چه چهره‌هایی آشناتر می‌شوند؟ عوام و خواص ندارد. بی‌رودربایستی شیوه‌ی استدلال، تسلّط به زبان، توانش‌های اجرایی، دقت نظر و ... (هر چه به این فهرست بیافزایید) هیچ‌یک در مقایسه با صحّت پیش‌بینی، اقناع‌کننده و اعتمادآور نیست. در نهایت شمّن است که بر عقل ایستاده. البته آن که تازیانه بر حریف دست‌بسته گرفته باشد و بگوید می‌زنم و بزند، این جادو و عقل را همراه نکرده، امّا اگر آن دست‌بسته بگوید نمی‌زنی و آن نتواند بزند، چه دکانی که گرم از دهان دست‌بسته نشود! آن دوّمی که دکانش گرم شد، همان روشنفکر است که تحلیل می‌کند و اشاره به این که سرحدّات قدرت بی‌کرانه نیست. آنچه آتی نزدیک را داغ می‌کند و آن دهان‌ها را قهرمان، باید شبیه تعریف منافع باشد. به عنوان مثال فارغ از فلسفه‌ی علم با تمام زیرشاخه‌ها و بحث‌هاش این کارکردگرایی تکنولوژی‌ست که حکمران جهان می‌شود، در فوتبال آن که برد و باخت را درست حدس بزند، سوای دلیل، موضوع را می‌فهمد و در هنر اقبال عامّه (فروش یا ماندگاری یا ...) تکلیف درستی و نادرستی نحله‌ها و حرکت‌ها را روشن می‌کند. ظاهراً همه می‌خواهند سوار اتوبوس برنده‌ها شوند؛ حتی اگر سمت بازنده‌ها جا خالی باشد و بیشتر خوش بگذرد. بدیهی‌ست که تعریف منافع به تمامی در آتی نزدیک صورت نمی‌گیرد و دورنمایی شگرف است که معمولاً حس برد و باخت ما را در رخدادها روشن می‌کند. اینجاست که «یعنی» اوّل سوال، مهم می‌شود. می‌شد به سرعت پرسید: «چی می‌شه؟» به وضوح اینجا پرسنده، طلبکار معنی‌ست. تحلیل خوب فقط حدس درست نیست؛ باید این حدس معنی‌دار هم باشد و معنی‌دار بودن اینجا صرفاً به معنی القاء معانی مشخص در گزاره‌های صحیح نیست ... یعنی یاوه نبودن، یعنی داشتن حجم و کلان‌پذیر شدن، یعنی برانگیزاننده و محرّک بودن ... به خاطر همین چیزها که همه دچارشیم، معمولاً تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌هایی که اقبال‌مند تر می‌شوند، اوضاع را بهتر یا بدتر از آنچه می‌شود می‌بینند و گاهی با سماجت این درک از وضع را در تبیین‌ها همیشگی می‌کنند. چون این طلب معنی همیشه یا فاجعه‌ای را پیش رو می‌گذارد و یا رهایشی را و انگار فراموش می‌کنیم که روزمرّگی با همه‌ی زشت و زیبایش اصل ماجراست و عموما اوضاع همین‌طور که هست، با بهبودها و مرگ‌هایش ادامه می‌یابد. کمی مصداقی: باظهور مدرنیته و خروج بشر از زمان ادواری و رونق مفهوم تحوّل، بیشتر چشم‌اندازهایی که در عرصه‌های گوناگون (فلسفه، هنر و ...) ترسیم می‌شد، یا بهشتی را خوشامد می‌گفتند یا از جهنمی بر حذر می‌کردند و اگر تشریف می‌آوردند و می‌دیدند، می‌دیدند که هیچ‌کدام از آن دو نشده و اوضاع «همین‌جوری که هست» ادامه دارد و ... واجب می‌دانم تذکّر دهم که یقین به چیزهای توی این یادداشت شاید آنقدر اشباع از وضع موجود کندمان که چاره‌ای جز تن دادن به آن برای‌مان نماند، شاید امیدوارمان کند به ناچاری‌های‌مان، شاید هم فرصت مکالمه‌ای با خواسته‌های‌مان باشد.

اندرعنصر تصویر فلسفه

علی نجات غلامی

اندرعصر تصویر فلسفه

«عقل در بالفعلیت‌اش، زندگی است»

ارسطو

چیزی که اخیراً مخم را دلمشغول کرده است سئوالی است ای بس پرسیدنی. مقداری فیلم از منظرمان گذشت که من خدا به سر شاهده نمی‌دانم چرا باید همچین باشند. فیلمی دیدم به نام چرک‌نویس – بگذریم از این پرسش غرا که اگر من نفهمم قرار است کی بفهمد؟! – که بایستی خدایش پرسید که آخر این چه تصوری است که از فلسفه به تصویر می‌کشند؟ زن و شوهری کانت‌خوانده و روشنفکر و نویسنده و این چیزهایند بعد گویا یک سری قتل زنجیره‌ای در فضایی از فسردگی و این چیزها مرتکب می‌شوند. من نمی‌دانم از کجای کانت همچین چیزهایی تراوش می‌کند. ربطاش دقیقاً چیست مثلاً به بخش حسیات فراورنده در نقد عقل محض؟! تازه با دو چشم خودم عیناً دیدم که یکی از عوامل فیلم هامون می‌گفت که فیلم‌نامه اول دو خط بود داستان یک «فلسفه خوانده‌ای» درب و داغان که دچار بحران‌هایی است. یعنی این تصور از کجا نشأت پیدا کرد؟ هر جامی روی می‌گویی فلسفه‌زی‌ام می‌گویند خب کی ان‌شاءالله قرار است خودکشی کنی؟! می گوییم والا هر چه خواندیم و شنیدیم ندیدیم فیلسوفی محض فلسفه خودکشی کند. خودکشی رسم ادبای مدرن‌تر بوده است خاصه روسی‌ها که دم به دقیقه خبر مرگ یکی‌شان در گوش جراید می‌پیچید. بعدش هم فلاسفه هم آدم‌اند می‌بینی یک قاطی هم زدند اما دلایل غیرفلسفی داشته است. یعنی مواردی ناموثق اگر گزارش شده اگر هم بوده سر مسائل دیگر بوده و ربطی به فلسفه‌ی‌شان نداشته. بجز یک گرایش اگزیستانسیالیستی که با ادبیات به یمن تلاقی باز تفسیرشده‌ی داستایوفسکی‌ها و نیچه‌ها در فرانسه آمیخت و خلاصه یک چند نفری خودشان را از پنجره‌ای چیزی پرت کردند بیرون که خدایش خونشان به گردن فلسفه نیست، همش تقصیر ادبیات است. البته خیلی‌ها هم مثل تالستوی لوله‌ی تفنگ را تا حلقوم‌شان بردند اما خب شلیک نکردند و یک جورایی به بیان خودشان معنای زندگی را فهم کردند. پرسش معنای زندگی درست است که وجود شخص انسان را به چالش می‌کشد اما درونی‌تر از این حرفهاست که تن به نمایش مضحکی بدهد که در این اجتماع نمایشی نمود بیابیم و طی آن بخواهیم بی‌مسئولیتی‌ها را پشت‌اش پنهان کنیم. هم‌اتاقی داشتم در عنفوان شباب که هر وقت می گفتی نوبت ظرف شستن‌ات است معنای کل هستی را به چالش می‌کشید و سه روز در افکار اگزیستانس غوطه‌ور بود. که چه؟! از زیر کار در برود! پفیوز! فکر می‌کرد ما نمی‌فهمیم!

کلاً این تصورات عوامانه‌ی نوجوان‌پسند و باب فیلم‌های نخ‌نما، به‌طرز عجیبی در جامعه‌ی ما شیوع پیدا کرده است. طرف آهنگی می‌خواند «عقاید نوکانتی از آن من...»، بعد می‌ترکاند. در حالیکه باید پرسید عقاید نوکانتی چه بودند؟ عمدتاً ایده‌هایی درباره‌ی نظریه‌ی شناخت و تفاوت و تشابهات روش‌شناختی علوم طبیعی و علوم انسانی و نقش روانشناسی در این میان که خیلی هم فنی است و آدم باید مقداری ریاضیات و منطق و فیزیک و این چیزا بداند تا بفهمد. اینکه فلسفه با ماهیت تراژیک هستی ارتباطاتی تأملی برقرار می‌کند موضوعی دیگر است که به قول سقراط «کسانی که از مسیری درست به فلسفه می‌پردازند بی‌آنکه دیگران بداند در آرزوی مرگ‌اند» اما مراد از این جمله خودکشی نیست بلکه نوعی مرگ‌اندیشی بنیادین و خودکاوانه و خودانتقادانه است نه میل به انهدام خویش بر سر کوی و برزن به نحوی تیپ‌سازانه و ژست‌گرایانه که هرکجا می‌روی کافی‌شاپی حول این مقوله برپاست.افسردگی فلسفی که بنده خودم هم محض احتیاط کمی دارم، مغایر این نیست که آدم زندگی‌اش را بکند. دم به ساعت ناصحان مشفق گیر می‌دهند که «آخر فلسفه‌خوان ژرفناکی مثل حضرتعالی چطور ممکن شد که زن بگیرد و بچه‌دار هم بشوند و تا خره برود زیر قرض و در نهایت سر از یک کله‌پزی برای امرار معاش در بیاورد! چه کردی با خودت؟! تو الگوی دیگرانی! بقیه به تو نگاه می‌کنند!» من نمی‌دانم این کهن‌الگوی روشنفکر ایرانی از کجا در آمد که مثال ایده‌آل‌اش شد کسی که بدواً سیگار[ی] می‌کشد، در محافل شب‌نشینی پدیدار می‌شود – که سوابق بازداشت و زندانش ورد زبان‌هاست و مدرکی نیم‌بند هم از دانشگاهی در باختر زمین دارد – و پس از چند پیک یا پُک به زمین و زمان گیر می‌دهد و بویژه خطاب به زیباروی مجلس درباب خالی بودن جهان از هرگونه حقیقت و ضرورت دگردیسی‌های الساعه، داد سخن سر می‌دهد و در بهترین حالت در دهه چهل عمرش هم خودکشی می‌کند و مقداری نوشته‌ی مطلقاً بی‌معنا از او به یادگار می‌ماند که از یاد می‌روند تا طی موج رسانه‌ای در خلال نبش قبرهای ادبی بازکشف شوند و مدتی روی بورس آمده و بعد دوباره فراموش می‌شوند.این کلان‌الگویی است که خواهی نخواهی در ذهن‌مان از تمثیل روشنفکر و فلسفه‌خوان نقش بسته است. یک آدم مطلقاً بی‌قید، آواره و یاقی و شدیداً افسرده. زیر این تمثیل کامل نیز به‌طور سلسله مراتبی، منازلی و درجاتی وجود دارد. مثلاً در سطحی پایین‌تر طرف ازدواج هم کرده اما خب ازدواجی پاشیده و در لبه‌ی آشفتگی که این مورد مجوز فیلم‌سازی در ایران دارد! گاه و بیگاه نمونه‌هایی از این فیلم‌ها را می‌بینیم که طرف کانت خوانده و پاشیده است. هگل خوانده و زنش را ترک می‌کند. فوکو خوانده و سه نقطه. بعد هم ایدئولوژی موجود سوءاستفاده کرده با دامن زدن به همین تصاویر مجعول، خود را موجه می‌سازد. در حالیکه ذات فلسفه نقد ایدئولوژی‌ها و کژی و کاستی‌های سنت‌های جهان‌بینانه با نشان دادن «ایجابی» یک زندگی بهتر بود (نه ضرورتاً بهترین)، نه نفی زندگی به خاطر یک ایدئولوژی موجود آنهم نقدی احساسی و غیرعقلانی، چراکه با نقدی احساسی، ایجابی در میان نخواهد بود و همچنانکه می‌بینیم سنتگرا زیست‌جهان منسوخ می‌یابد و روشنفکر بی‌زیست‌جهان می‌شود. هرکجا که به اطرافم می‌نگرم موج‌هایی از طلاق و غیره می‌بینم که به اسم روشنفکری بی‌درجهان شده‌اند و تن‌شان که به تن من نادان می‌خورد در می‌یابند که آنچه به خاطرش خودشان و زندگی‌شان را جر دادند همه چیز بود بجز فلسفه. حال وضع روشنفکر که این باشد خود حدیث مفصل بخوانید که سنتگرایانی که در واکنش به این تصویر، تصویری ثانویه ساخته‌اند چند مرحله از تفکر پرت‌اند.

سینمای مثلاً فلسفی ما هم در امتداد ملودرام کسالت‌بارش، همین‌طور گول این تصویر کاذب نمایشی – و نیز برابر تصویرش – از زندگی این جماعات را خورده است. به هر حال سینمایی که در قبضه‌ی یک طیف خرده‌بورژوای مصرفی است و چیزی بجز یک ملودرام خطی از هنر نمی‌فهمد و به اسم پست‌مدرنیسم در حال خم و پیچ دادن به آن خط است که از قبل بود، چه باید بجز این تصویر نمایشی از فلسفه و تفکر بفهمد. در این خم و پیچ دادن فرمالیته به آن خط ملودرام هم آنقدر پیش می‌رود که به درباره‌ی الی‌ها و جدایی نادر از سیمین‌ها بکشد که اساساً به اسم هنر دیگر مطلقاً مهمل‌اند و خالی از هرگونه معنایی.

کسی که واقعاً کانت می‌خواند می‌فهمد که زندگی یعنی مسئولیت اخلاقی در مقابل دیگری. یعنی این جمله‌اش که «هرآنچه در طبیعت روی می‌دهد، اعم از جهان زندگی و جهان بی‌جان، بر طبق قواعد روی می‌دهد ولو ما در وهله‌ی اول از قواعدش هشیار نباشیم». یعنی احترام به قواعد حیات و ممات و تلاش برای تصحیح یا دگرگون‌سازی آن بنا به اصول روشنگری ضمن زیستن در معیت دیگران. همچنین می‌فهمد که کانت صرفاً آدمی بود که کمی فکر کرد و این مسئولیت تفکر عقلانی است که از او هم به سوی امکان‌های بهتر عبور کند.

خوشبختانه دیگر حسنای این تصویرسازی‌ها رنگی ندارد که کم کم به لطف اینترنت و دسترسی به منابع و غیره و بنا به اتفاق میمون سقوط آکادمی کاذب ایرانی که طی آن جوانان وقت بیشتری پیدا کرده‌اند کمی هم به جای درس، کتاب بخوانند، دیگر معنای واقعی روشنفکری دارد پدیدار می‌شود. روشنفکر یعنی: یک انسان معمولی که پرسش‌های غیرمعمولی دارد. پرسش‌هایی که بدواً از خودش هستند بواسطه‌ی زیست‌زبان دیگران و در هم‌زیستی با آنها. او نمی‌خواهد که جهان را دگرگون کند، نه برای حفظ و احیای چیزی می‌آید و نه برای تغییر چیزی. او بدواً برای این می‌آید که زندگی کند. و از خلال زندگی کردن او در «ژرف–سطح اجتماع» است که همه‌چیز بی‌صدا تغییر می‌کند. روشنفکری که پایش روی زمین است، کار می‌کند، درجایی در معیت دیگران مثلاً همسر، خانواده، دوست و غیره «خانه» می‌کند – زیرا خانه کردن در جایی، آغاز زندگی است – و در دل زندگی می‌خواند، فکر می‌کند، گفتگو می‌کند باز هم فکر می‌کند و می‌نویسد و بازهم می‌خواند و ... و این «راه» اوست.

نکته

تصورماتریالیستی از پیشرفت

محمدایمانی

تصور ماتریالیستی از پیشرفت که از مشهورترین صور آن می توان از ایدئولوژی های جامعه شناسانه نام برد، بازمانده رسوبات مارکسیسم جهان سومی و تلفیق آن با رئالیسم کور فلسفه سنتی ایران است، که نه تنها توسعه و پیشرفت یک کشور را به مناسبات مادی تقلیل می دهد، بلکه اساسا از درک درهم تنیدگی و جدایی ناپذیری سوژه و ابژه، ایده و ماده، اندیشه و واقعیت و دیگر دوآلیسم های فلسفه جدید عاجز است، و از آنجا که از ابتدای مواجهه ما با تمدن اروپایی، سطح رویارویی، از صرف مشاهدات ظاهری و تجربیات شخصی فراتر نرفته، با اصل قرار دادن مشاهدات ظاهری و تجربیات شخصی، ناتوان از درک هسته اصلی این تحولات بوده است. مناقشه بر سر اهمیت نظام علم، فلسفه و دین، و تحولات نظامهای اندیشه در اروپا از فرهنگ، هنر و معماری تا علم اقتصاد، سیاست و حقوق، مناقشه ای بی حاصل خواهد بود، اگر مدافعان رویکرد مادی به توسعه و پیشرفت، از درک این نکته بدیهی عاجز باشند که آن وجه ممیزه انسان از حیوانات است که نقش تعیین کننده در سرنوشت متمایز انسان و حیوان ایفا کرده است. شاید مجبور باشیم سطح تحلیل فلسفی را آن قدر پایین بکشیم تا مخاطب مدافع رویکرد مادی بفهمد، اینکه تنها انسان تاریخ دارد، به داشتن قوه آگاهی، یاد، فهم و نطق او و به توانایی او در اندیشیدن عقلی بر می گردد. اینکه چرا در میان موجودات و در مقایسه با سایر حیوانات، تنها این انسانها بوده اند که توانسته اند فرهنگ و تمدن بسازند، خود دلیل آشکاری برای ذهنیت بدوی ای است، که تذکر اهمیت شیوه ها و انواع نظام های اندیشیدن را، «جدا کردن اندیشه از واقعیت و اصالت دادن به اندیشه» می فهمد، در حالیکه واقعیت تمدن، فرهنگ، توسعه و پیشرفت، چیزی جز تحقق اندیشیدن بشری و حقیقت این تحقق چیزی جز «درهم تنیدگی و جدایی ناپذیری اندیشه از واقعیت» نیست. این رویکرد ابتدایی به عینیت، که هگل نیز در ابتدای کتاب منطق خود بدان پرداخته است، به «اندیشه ی» مادی پیشرفت و توسعه محدود نمی شود، بلکه «تصوراتی» درباره تحولات سیاسی-اجتماعی را تلقین می کند، که ریشه در همین رویکردی دارد، که در درک این نکته که تصور مادی از پیشرفت و توسعه و تغییر خود یک اندیشه است، نابیناست. مثل مشهوری که درباره تصور مارکسیستی از دیالکتیک، تاریخ و تغییر وجود دارد خود به تنهایی انبوه کتابها و جزوات تاریخ نگاری ای که مبنای خود را دیالکتیک ماتریالیسم قرار داده اند، نقش بر آب می کند

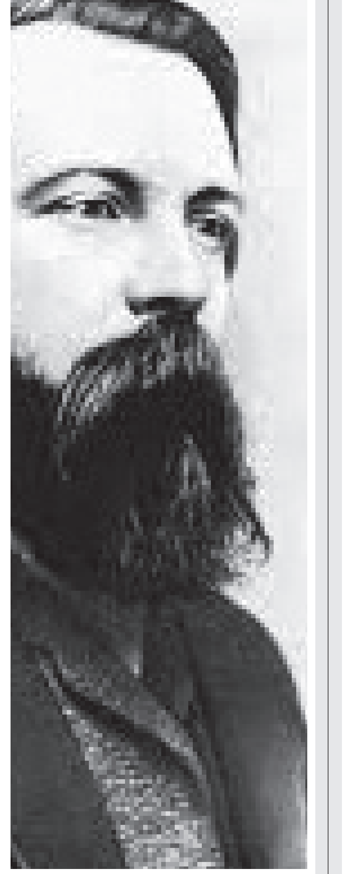

دهه فجر مبارک
به مناسبت فرارسیدن دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۵، شرکت آب منطقه ای گلستان عملیات اجرایی ۱ پروژه با هزینه ی ۳ میلیارد ریال را آغاز و همچنین ۱ پروژه با هزینه ی ۱۲ میلیارد ریال را بهره برداری می نماید.
روابط عمومی شرکت آب منطقه ای گلستان
وزارت نیرو
شرکت مدیریت منابع آب ایران
شرکت آب منطقه ای گلستان